



نقش دولت استعمارگر انگلیس در گسترش فرقه‌های انحرافی تشیع

در این یادداشت اسناد و مدارک مهم از حضور و نقش آفرینی استعمارگر کهنه کار و روباه پیر دنیای سیاست یعنی انگلیس خبیث را در فرقه سازی و حمایت و تقویت بهائیت بررسی خواهیم کرد.

خبرگزاری رسا - در این یادداشت اسناد و مدارک مهم از حضور و نقش آفرینی استعمارگر کهنه کار و روباه پیر دنیای سیاست یعنی انگلیس خبیث را در فرقه سازی و حمایت و تقویت بهائیت بررسی خواهیم کرد.

گفته شد که اسلام ستیزان و دشمنان مذهب جاودان شیعه، برای مبارزه با آموزه های حیات بخش تشیع، دست به تحریف و ایجاد انحراف در محتوا و مصداق برترین اعتقاد شیعه، یعنی اعتقاد به منجی آخرالزمان با نام مهدی موعود زدند. در بخش اول، نقش دولت استعمارگر روس تزاری در حمایت و گسترش فرقه های منحرفی چون بابیت و بهائیت را به طور خلاصه بیان کردیم. در این بخش نیز اسناد و مدارک مهم از حضور و نقش آفرینی استعمارگر کهنه کار و روباه پیر دنیای سیاست، یعنی انگلیس خبیث را در فرقه سازی و حمایت و تقویت بهائیت بررسی خواهیم کرد.

انگلیس را ما ایرانیان به عنوان روباه پیر می شناسیم. عنوانی که شاید خیلی هم اغراق آمیز نباشد. با مطالعه تاریخ انگلیس و نقش هایی که در استعمار و استثمار ملت های مظلوم داشته و دارد و برنامه ریزی های بلند مدت و حساب شده برای ایجاد نخله های فکری منحرف در تمام ادیان و ملیت ها، خبر از مکاری بی اندازه انگلیسی ها دارد. خاطرات مستر همفر که چاپ شده است، تنها گوشه ای از اقدامات جاسوسانه و منحرفانه در بین ملت های مسلمان را نشان می دهد.

پدرخوانده و فرزند نامشروعش

انگلیس دومین کشوری هست که منصب پدر خواندگی فرزند نامشروع باب و بهاء، یعنی فرقه انحرافی و مضر بهائیت را بر عهده گرفت. آنچه که خیلی واضح است، ارتباط غیر قابل انکار بهائیان در طول تاریخ با استعمارگران انگلیسی است که هیچ یک از دو طرف، این ارتباط را مخفی نمی کنند.

در این قسمت مقاله به بررسی نقش و تاثیر استعمار پیر انگلیس در بقا و گسترش فرقه منحرف بهائیت خواهیم پرداخت.

شکار انگلیسی

زمانی که فرقه بابیت، در نزاع های درون گروهی دهه 1280 ق در عثمانی، به دو گروه «ازلی» (تحت ریاست یحیی صبح ازل) و «بهائی» (به رهبری حسینعلی بها) تجزیه و تقسیم شد، ازلی ها شکار انگلیس شدند و بهائیان همچنان به عنوان سهم روس ها باقی ماندند.

درباره روابط یحیی صبح ازل با انگلیسی ها، لرد کرزن سیاستمدار مشهور انگلیسی در کتاب «ایران و مسأله ایران» می گوید: «صبح ازل که در قبرس سکونت داشت، مفری خاصی از حکومت انگلیس دریافت می کرد.» [1] از طرف دیگر، استعمار پیر، چون دید ازلی ها نمی توانند آن گونه که دل خواه آنها بود در جامعه مذهبی ایران نقشی ایفاء کنند، به سراغ جذب بهایی ها رفتند.

با فرپاشی امپراطوری تزاری در اواخر جنگ جهانی اول و همزمان افزایش قدرت استعماری بریتانیا در خاورمیانه و به ویژه اشغال نظامی فلسطین، رهبر وقت بهائیان، این فرقه را به عنوان قله سیاسی جدید به سمت لندن و حکومت بریتانیا سوق داد.

دلیل مورخان بسیاری که بر این ارتباط نامشروع اجماع دارند، روابط آشکار این فرقه با بریتانیا، به ویژه اعطای لقب و نشان عالی از سوی پادشاه انگلیس به عباس افندی است که عکس آن در کتب مختلف آمده است.

چرخش عباس افندی رهبر وقت بهائیان از روسیه به لندن و گرفتن نشان از دست ژنرال انگلیسی (آلنبری) پس از جنگ جهانی اول، داستان شگفتی است که گنجایش تحقیقی مفصل را دارد. البته ناگفته نماند که ارتباط عبدالبها با بریتانیا به سال های پیش از سلطه آلنبری ژنرال انگلیسی بر فلسطین، به دوران سفر عباس افندی به اروپا (1911) باز می گردد و سابقه ارتباط انگلیسی ها با سران بهائیت جهت شکار آنها (و بیرون آوردنشان از چنگ حریف روسی) از این هم دیرینه تر بوده و به دوران اقامت حسینعلی بها در بغداد (1269 ق به بعد) می رسد.

به نوشته شوقی افندی: «زمانی که بها از سوی ناصرالدین شاه در تبعید عراق به سر می برد، ژنرال کنسول انگلیسی در بغداد (کلنل سر آرنولد باروز کمبل) باب مراوده و مکاتبه را با بهاء گشود و طی نامه ای به او پیشنهاد داد که «تبعیت» دولت انگلیس را بپذیرد و در تحت «حمایت» آن دولت در آید و حضوراً نیز متعهد شد که هر گاه مایل به ارسال پیامی به ملکه ویکتوریا باشد، در مخابره آن به لندن اقدام خواهد کرد. حتی معروض داشت، حاضر است ترتیباتی فراهم سازد که محل استقرار «بهاء» به هندوستان یا هر نقطه دیگری که مورد نظر وی باشد، تبدیل یابد.» [2]

در دامان روباه پیر

عباس افندی در سال های 1911-1913 سفری به اروپا و آمریکا کرد و طی سخنرانی های متعددی که در مجامع گوناگون آن دیار ایراد نمود، صراحتاً از انگلیس جانبداری کرد. برای نمونه در یکی از سخنرانی های خود مدعی شد که: «اهالی ایران بسیار مسرورند که من اینجا سبب الفت بین ایران و انگلیس هستم. ارتباط تام ایجاد می شود و نتیجه به درجه ای می رسد که بزودی از افراد ایران، جان خود را برای انگلیس فدا می کنند و همین طور انگلیس خود را برای ایران فدا نماید!» [3]

عباس افندی در محرم 1332 ق به مقر خود در عکا برگشت. اما روشن است که وی دیگر آن عنصر منزوی پیشین نبود و شواهد تاریخی نشان می داد که رجال وقت دولت عثمانی نیز (که ضد انگلیس بودند) همین تصور سرسپردگی او به بریتانیا را داشتند که فضا را بر او و یارانش در فلسطین تنگ کردند.

با شروع جنگ جهانی دوم و حمایت مخفی و علنی عباس افندی (عبدالبهاء) از انگلیسی ها، راه را برای جلب محبت های بی دریغ دولت بریتانیا هموارتر نمود. اقدام عباس افندی به تأمین آذوقه برای ارتش بریتانیا در قدس، موضوعی مسلم بوده و منابع بهایی هم بدان تصریح دارند. البته کمک های عبدالبهاء فقط تأمین آذوقه برای ارتش انگلیسی نبود؛ بلکه آن گونه که افسران انگلیسی مستقر در حیفا به لندن نوشته اند، آنان از نظریات و نفوذ پیشوای بهائیت نیز برای پیشبرد منافع خود سود جسته اند. در مقابل نیز انگلیسی ها در همان مقطع بحرانی، شدیداً از جان عباس افندی و خانواده و یاران وی در برابر تعرضات قوای عثمانی محافظت می کردند.

خدمت به امپراطوری بریتانیا

پس از تحکیم پایه های قیمومیت انگلیس بر قدس شریف، دولتمردان انگلیسی حاضر در فلسطین در نامه به لندن پیشنهاد کردند، بابت «خدمات صادقانه و مستمر» عباس افندی به «آرمان بریتانیا» و استفاده افسران انگلیسی مستقر در حیفا از نظریات ارزشمند پیشوای بهائیت، نشان و لقب عالی امپراطوری بریتانیا به وی اعطا گردد. این پیشنهاد تصویب شد و ژنرال آلنبی (فرمانده کل قوای انگلیس) همراه دستیارش مازور تئودور پول در آوریل 1920 رسماً مراسمی بر پا کرده و به نمایندگی از دربار لندنبه پیشوای بهائیان لقب «سیر» (Sir) و نشان «شوالیه امپراطوری» (Knight hood) داد. [4]

به گزارش حسن نیکو (مبلغ بهایی معاصر عباس افندی که به اسلام گروید) اعطای نشان و لقب به عباس افندی، خوشحالی و سرور بسیار خاندان وی را در پی داشت؛ «در حیفا خانواده میرزا چنان جشن گرفتند و شادی کردند که الحمدلله معروف دولت انگلیس شدیم!» [5]

عباس افندی نیز از سلطه انگلیسی ها بر قدس به گرمی استقبال کرد و طی نوشته ای، سلطه غاصبانه انگلیس بر قبله اول مسلمین را «بر پا شدن خیمه های عدالت» شمرده و خداوند را بر این نعمت بزرگ! سپاس گفت و تاییدات جرج پنجم، پادشاه انگلستان را مسئلت کرد و خواستار جاودانگی سایه گسترده این امپراطور دادگستر! بر آن سرزمین گردید!» [6]

راز اعطای نشان امپراطوری به عبدالبهاء چه بود؟

منابع بهائی می کوشند این امر را پاداش انگلیسی ها به عباس افندی بابت خدمات گران بهای وی به مردم فلسطین و تخفیف مصائب و آلام مردم آن سرزمین قلمداد کنند. [7] اما دیگرانی هستند که این مسئله را جور دیگری می انگارند؛ صبحی (کاتب و منشی پیشین عباس افندی) اعطای این نشان را «پاداش نکوگویی» و ثناخوانی افندی در حق پادشاه انگلیس می داند. [8]

اعطای لقب «سیر» و نشان «نایت هود» توسط دربار لندن به عباس افندی (پیشوای بهائیان) که به پاس خوش خدمتی های وی به قشون اشغالگر صورت گرفت، از واقعیات مسلم و مشهور تاریخ معاصر است و این امر همراه با صدور الواح متعدد توسط عباس افندی در مدح و ستایش پادشاه انگلیس این ارتباط تنگاتنگ را کاملاً فاش ساخته و ما را از هر گونه بحث و استدلال درباره وابستگی و پیوستگی این فرقه به کانون های استعماری بی نیاز می سازد.

قبح کار وقتی بیشتر به نظر می رسد که بدانیم در همان زمان، برخی از شخصیت های دینی نشان و لقب اعطایی انگلیسی را نپذیرفتند. [9]

ادامه حمایت ها

عنایات و حمایت های انگلیسی ها نسبت به پیشوای بهائیان (عباس افندی) به اعطای نشان و لقب ختم نشد. عباس افندی مورد حمایت آشکار شخصیت های برجسته ای چون: وینستون چرچیل (وزیر مستعمرات انگلیس) هربرت ساموئل (کمیسر عالی بریتانیا در فلسطین) و رونالد استورز (فرماندار حیفا و توابع) قرار گرفت.

به گفته یک شاهد عینی، «بهائیان آن دیار مورد توجه و اطمینان کامل مقام های انگلیسی حکومت فلسطین بودند و اکثر آنها در مقام های حساس دولتی مانند فرمانداری، ریاست ثبت اسناد و مأموریت های بالایی در این سرزمین دیده می شدند.» [10]

عنایت و توجه خاص چرچیل و نیز ساموئل و دیگر عناصر استعماری انگلیس در منطقه عربی، زمانی کاملاً خودش را نشان داد که عباس افندی درگذشت.

شوقی (نوه و جانشین عباس افندی) می نویسد: «وزیر مستعمرات حکومت عالی حضرت پادشاه انگلیس، مستر وینستون چرچیل، به مجرد انتشار این خبر (مرگ عباس افندی) پیامی تلگرافی به کمیسر عالی انگلیس در فلسطین، سر هربرت ساموئل صادر و از وی تقاضا کرد مراتب همدردی و تسلیت حکومت عالی حضرت پادشاه انگلستان را به جامعه بهائی ابلاغ نماید.

کمیسر عالی انگلیس در مصر و ایكونت النبی نیز مراتب تعزیت و تسلیت خویش را به وسیله «آلنبی» بدین مضمون اعلام نمود: به بازماندگان فقید سیر عبدالبهاء عباس افندی و جامعه بهائی، تسلیت صمیمانه مرا به مناسبت فقدان قائد جلیل القدرشان ابلاغ نماید.» [11]

و بدین ترتیب نوبت بازی به نوه عبدالبهاء، شوقی افندی رسید.

گسترش بهائیت آرمان استعمار پیر

از این زمان به بعد، بهائیت بهترین و مهمترین برنامه انحرافی و تحریفی مذهب تشیع شناخته می شود و در دستور کار جدی تر استعمار پیر قرار می گیرد. اقدامات زیر تنها گوشه ای از حمایت ها و توجه های انگلیس به گسترش بهائیت در جهان را نشان می دهد.

24 دی ماه 1339ش. ام المعابد(مشرق الاذکار مرکزی) بهائیان در آفریقا واقع در کامپالا(پایتخت اوگاندا) توسط «روحیه ماکسول» بیوه شوقی افندی افتتاح شد.

در مراسمی که به همین منظور برگزار شده بود، نماینده حکومت انگلستان و برادر پادشاه اوگاندا، با خانواده خود و جمعی از مأموران عالی رتبه کشوری و لشکری دولت دیکتاتوری اوگاندا شرکت کردند.^[12]

21 می 1971ق(1350ش) کنفرانس جهانی بهائیان در شهر کینگزتون، سالن شرایتون هتل(بزرگ ترین هتل جزیره جامائیکا در اقیانوس اطلس) با حضور «ذکرالله خادم» از ایادی امرالله و نماینده بیت العدل بهائیت در اسرائیل و 3 تن از اعضای هیات مشاوران قاره ای در آمریکای مرکزی و با قرائت پیام بیت العدل افتتاح گردید.

گفتنی است که در نخستین لحظات تشکیل این کنفرانس، حاکم کل که نماینده رسمی ملکه انگلیس و شخص اول جزیره جامائیکا بود، حضور یافت و در حدود نیم ساعت به ایراد نطق در تأیید بهائیت پرداخت.^[13]

از اول تا هشتم اکتبر 1972(مهر 1351ش) یک فستیوال ملی در سی شیلز برگزار گردید و شاهزاده مارگرت و لرد استودن به عنوان نمایندگان خاندان سلطنتی در آن شرکت جستند و از غرفه بهائیان در آن، که آثار و کتب را معرفی و به نمایش می گذاشت دیدار کردند.^[14]

آوریل 1967(اردیبهشت 1346ش) محفل ملی بهائیت در انگلیس به مناسبت روز تولد ملکه انگلستان، تلگراف تبریک زیر را برای ملکه بدین شرح ارسال کرد: «محفل روحانی ملی بهائیان جزایر بریتانیا، به نمایندگی بهائیان جزایر بریتانیا، تبریکات صادقانه و مسرت آمیز خود را به مناسبت روز تولد آن علیا حضرت تقدیم علیا حضرت ملکه تشکر می نماید.»

مجله بهایی «اخبار امری» ضمن انعکاس تلگراف های فوق، تأکید ورزید: «انتظار داریم... جوامع بهائی در ممالک مشترک المنافع پیام های تبریک آمیز خود را در آن روز به قصر بوکینهام مخابره کنند.»

^[15]

بنگاه سخن پراکنی «بی بی سی» یک سلسله مصاحبه های رادیویی تحت عنوان «دیانت امروزی شما» را پخش کرد که در آخرین مصاحبه اش با شرکت خانم «مهرانگیز منصف» و آقای «تد کاردل» انجام یافت. نشریه بهائیان تحت عنوان «اشاعه تعالیم بهائی از فرستنده رادیویی بریتانیا» می نویسد: «... این مصاحبه در تمام دنیا پخش گردید که در آن مبادی و تعالیم امر بهائی مورد بحث قرار گرفت. خانم(پکی ترو) از جزایر کاناری می نویسد که عده زیادی از احباب و مبتدیان آنها این مصاحبه رادیویی را گوش دادند. پس از پایان برنامه رادیویی بحث و مباحثه تا ساعت 2 نیمه شب ادامه یافت. در نامه دیگری ایادی امر الله جناب «فدرستون» در استرالیا موفقیت خانم منصف را تبریک گفته اند.»^[16]

/928/702/ر

امین رفعتی

منابع:

(1) مکاتیب عبدالبهاء

(2) خطابات عبدالبهاء / چاپ مصر

(3) اسناد و مدارک بهائیگری / فضل الله صبحی مهندی

(4) قرن بدیع / شوقی ربانی / ترجمه نصرالله مودت

(5) الکواکب الدریه / عبدالحسین آواره

(6) کشف الحیل / عبدالحسین آیتی

(7) ارمغان استعمار / محمد مهدی اشتهاوردی

(8) ایران و قضیه ی ایران / لرد کرزن

9) بررسی مناسبات ایران و آمریکا / مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه ایران

10) بهائیگری / یوسف فضایی

11) بهائیت به روایت تاریخ / بهرام افراسیابی

12) چگونه بهائیت پدید آمد؟ / نورالدین چهاردهی

13) حقوق بگیران انگلیس در ایران / اسماعیل رائین

14) گزارش های سیاسی علاءالملک / گردآوری ابراهیم صفایی

15) مجله آهنگ بدیع / ارگان رسمی بهائیان

16) اخبار امری / نشریه بهائیان

- [1] . حقوق بگیران انگلیس در ایران-اسماعیل رائین-ص332
- [2] . قرن بدیع / شوقی ربانی / ترجمه نصرالله مودت / ج2 / ص125 .
- [3] . خطابات عبدالباها / چاپ مصر/ ج 1 / ص 23 .
- [4] . قرن بدیع / شوقی افندی / ج3 / ص 299.
- [5] . فلسفه نیکو/ حسن نیکو / ج2 / ص 196 .
- [6] . مکاتیب عبدالباها / ج3 / ص347
- [7] . قرن بدیع/ شوقی افندی / ج3 / ص399.
- [8] . اسناد و مدارک بهائیگری / چاپ سیدهادی خسروشاهی / ص134
- [9] . کشف الحیل/ آیتی / ج1 / ص24
- [10] . خاطرات خدمت در فلسطین / صص 115-118
- [11] . قرن بدیع / شوقی افندی / ج3 / ص 321 .
- [12] . مجله اخبار امری / سال 1339 / ش11و12 / ص724و734 .
- [13] . مجله آهنگ بدیع / سال29(1353ش) / ش2و3 / ص71 و73 .
- [14] . مجله اخبار امری / سال1352شمسی / ش1/ ص 18 .
- [15] . مجله اخبار امری/ تیر و مرداد1346 / ش4و5 / صص150 و 151 .
- [16] . مجله اخبار امری / سال1342 / ش2 / ص61و62 .